

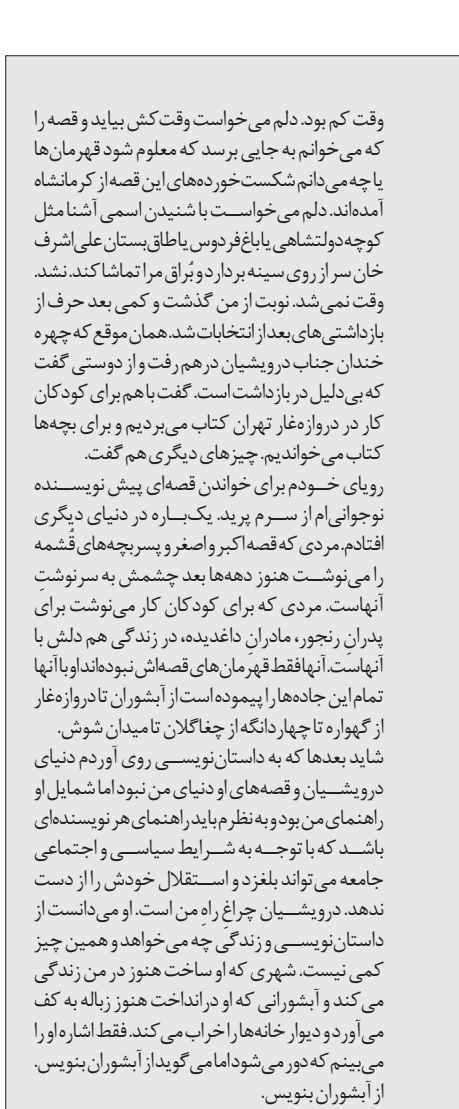


«لطیف تلخستانی» است.

حالا دیگر وقت نوشتن است. رمان‌ها و مجموعه داستان‌ها و مقالات و پژوهش‌های بسیار. نامت‌رامی گذاری شریف‌داور شسه و قصه زندگی ات رادر «تبیالی ابری»-با صدای بلند بر ایمنان می‌نویسی و می‌خوانی، رمانی که فقط زندگی تو نیست، صدای تو نیست، انوبیو گرافی همه آن مرمان تهنیدیستی است که ظلم نمی‌تواند سرشان راخ کند.

اما رشته پیوند تو بر مرمان زادگاهت فقط قصه نیست،سال‌ها کار پژوهشی در زمینه فرهنگ عامه و گردآوری افسانه‌ها و مثل‌های کردی و ایرانی، بخشی از زنجیره ادبیات متعدد توست. در این سال‌ها نه درگیر پیچیدگی‌های زبانی می‌شوی و نه به دنیای آدم‌هایی سرک می‌کشی که شبیه تو نیستند.

سکته مغزی در اواسط دهه ۸۰می‌توانست پایان قصه تو باشد، اما تو سال‌های ابری را کشاندی تا همین چند روز پیش، تا ۱۳ آبان ۱۳۹۶. خیر رسید که علی اشرف درویشیان بعد از دوره طولانی بیماری، سه خاطر نارساییی ریه در گذشت. و ناگهان سال‌های ابری بازگشت، زیر چشمه ننه دیواره کبود شد، پدر گیس ننه را گرفت و دور کرسی چرخاند، ننه سه بابا التماس کرد برای عودمی بچه‌ها جوراب بخرد، فاطمی به آهنگ گوتکتوب خانه همسایه رقصید… ناگهان صدای تمام آدم‌هایی شنیده شد که تو صدایت را به آنها بخشیده بودی. مرگ چگونه می‌تواند صدای تو را خاموش کند؟



وقت کم بود. دلم می‌خواست وقت‌کش بیاید و قصه‌را که می‌خوانم به جایی برسد که معلوم شود قهرمان‌ها یا چه می‌دانم شکست‌خورده‌های این‌قصه‌از کرمانشاه آمده‌اند. دلم می‌خواست با شنیدن اسمی آشنا مثل کوچه‌ولشاهی یاغ‌فرDOS یاطاق بستان‌علی‌اشرف سر خان‌روزی سینه برادر و بَرقُاق برآتماشا کند. نشد. وقت نمی‌شد. نوبت از من گذشت و کمی بعد حرف از بازداشتی‌های بعداز انتخابات شد. همان‌موقع که چهره خندان جناب درویشیان درهم‌رفت‌و از دوستی‌گفت‌که‌بی‌دلیل در بازداشت‌است. گفت‌ما هم‌برای کودکان کار در دروازه‌تهران کتاب می‌پریم و برای بچه‌ها کتاب می‌خوانیم. چیزهای دیگری هم‌گفت. رویای خودم‌برای خواندن‌قصه‌ای پیش‌نویسندۀ جوانوانی‌ام از سرم‌پرید. یک‌باره در دنیای دیگری اقدام‌مردی که‌قصه‌اکبر و اصغر و پسرپچه‌های‌قشمه‌پدران‌رنجور، مادران‌داغدیده، در زندگی‌هم‌دلش‌با آنها‌آهنست. آنها‌لطف‌قهرمان‌های‌قصه‌شان‌نپوده‌آنها‌تمام‌ای‌چاه‌هارا‌پیموه‌است‌از آبشوران‌تادر‌وازه‌غار از گهواره تا چهار دانگه از چنگلان تا میدان شوش.

شاید بعدها که به داستان‌نویسی روی آوردم دنیای درویشیان و قصه‌های او دنیای من نبود اما شامل او راهنمای من بود و به‌نظم‌باید‌راهنمای‌هر نویسنده‌ای باشد که با توجه به شرایط سیاسی و اجتماعی جامعه می‌تواند بلغزد و استقلال خودش را از دست ندهد. درویشیان چراغ راه من است. او می‌دانست‌از داستان‌نویسی و زندگی چه می‌خواهد و همین چیز کمی نیست. شهری که او ساخت هنوز در من زندگی می‌کند و آبشورانی که او در انداخت هنوز زباله به کف می‌آورد دیوار خانه‌ها را خراب می‌کند. فقط اشاره‌ها و می‌بینم که دور می‌شود اما می‌گوی‌داز آبشوران بنویس. از آبشوران بنویس.

یادداشت

قهرمان عصر ایدئولوژی



محمد هاشم اکبریانی

عضو شورای سردبیری

نامش «تبیالی علی» عضو شورای سردبیری است و فامیلش «ندارد» او مریض و ضعیف است، پنجره مدرسه‌اش شیشه ندارد و با کاغذ روزنامه پوشیده شده‌است و روستایش با فقر و فلاکت دست‌وپنجه نرم می‌کند. اینها تنها تصاویری نیست که از نیاز علی داریم. او کلاس دوم است، هوش زیادی دارد و می‌تواند کلمات سخت روزنامه را بخواند. علاوه بر همه اینها، او دوست‌داشتنی و عزیز است. برای چه کسی؟ برای معلمی که روایت می‌کند و برای خواننده‌ای که می‌خواند. «ندارد» فامیل تنها یک‌نفر نیست؛ «در کلاس من خیلی از بچه‌ها شناسنامه‌شان «ندارد» است. «تبیالی ندارد» مظهر طبقه محروم و فق‌رزده است.

مش‌باقی، م‌رادی که ثروتمند است؛ چون تاجر است. او «زده‌ها»یی است که ظلم می‌کند و از استثمار دیگران میوه می‌چیند:

معلم از نیاز علی می‌پرسد؛ جواب:

–بیکار شد آقا. دیروز دندان‌های جلوش افتاد و بیکار شد.

اما چرا دندان‌هایش افتاده. معلم توضیح می‌دهد: خوب که جو یا شدم، معلوم شد که مادرش برای من‌باقی، تاجر خشکیار ده کار می‌کرده کارش خندان کردن پسته بود. پسته‌هایی را که دهانشان بسته بوده، با دندان باز می‌کرده… پس از سال‌ها کار دندان‌هایش ریخته و بیکار شده‌است.

در واقع مش‌باقی، تا زمانی که مادر نیاز علی دندان‌داشته از او بهره‌کشی می‌کرده و با ریخته‌شدن دندان‌هایش که بر اثر کار بی‌رحمانه بوده، بیکار می‌شود. مش‌باقی، مظهر طبقه سرمایه‌دار و استثمار‌گر است.

در خواب نیاز علی او «زده‌ها» هم می‌شود!

تقسیم جامعه به طبقه خوب و طبقه بد و تقسیم جهان به خیر و شر، از ویژگی‌های ذاتی ایدئولوژی است. در ایدئولوژی، طبقه پایین‌دست و محروم، با استثناهایی، نماد «خوب» و «خیر» هستند. اعضای این طبقه نمی‌توانند بد باشند. در کلاس نیاز علی که فامیل بسیاری «ندارد»، است، هیچ فردی با فامیل «ندارد»، بد نیست. در مقابل طبقه سرمایه‌دار و پولدار است که تمام‌اعضای آن، بد، زشت، بی‌رحم، پلید، استثمار‌گر و مظهر شر هستند. مش‌باقی، نمونه‌ای از این طبقه است که حقوق دیگران را ضایع می‌کند و به دیگران ظلم روا می‌دارد. در چنین‌نگاهی انسان با طبقه‌اش مورد قضاوت قرار می‌گیرد.

فرد، با ارزش‌های انسانی قضاوت نمی‌شود بلکه ارزش‌های انسانی است که با وابستگی طبقاتی سنجیده می‌شوند: طبقه محروم از ارزش‌های انسانی بر‌خور‌دار است و طبقه ثروتمند فاقد آنهاست. در این حکم قطعی هم هیچ شک‌ی نیست. اصولا در نگاه ایدئولوژی، جامعه انسانی به‌معنای انسان خوب و انسان بد نداریم، البته داریم اما انسان خوب زاده طبقه خوب است و انسان بد، زاده طبقه بد. اصالت، با طبقه است. همین داستان تبیالی‌نندار را ببینید؛ تبیالی‌خواب می‌بیند که گنجشک شده است؛ برنده‌ای دوست‌داشتنی؛ او عقاب یا شاهین نشده است که دیگران را بخورد او گنجشک شده است که معمولا خورده می‌شود. ملوچ شدن نیاز علی به آن دلیل نیست که او کود ک است به این جهت است که در طبقه محروم قرار دارد. می‌گویید چرا؟ چون در خواب نیاز علی، پدرش هم ملوچ می‌شود. این طبقه محروم است که ملوچ است؛ معلوم و دوست‌داشتنی. اما مش‌باقی (باقر) چه می‌شود؟ هیات ازدها به خود می‌گیرد و ازدها می‌شود. طبقه سرمایه‌دار و ثروتمند در شکل ازدها در برابر خواننده قرار می‌گیرد! آنها هم که با ارزش‌های انسانی که با طبقه‌ارزیابی می‌شوند. اما ادامه: در جامعه‌ای که به دارا و ندار تقسیم می‌شود؛ مبنای پلیدی و پستی همان طبقه‌است. معلم از تبیالی می‌خواهد تیت‌درشت‌روز نامه‌ای را که بجای شیشه روی پنجره خورده است بخواند. نیاز علی من‌ومن کلان می‌خواند: «کت دوست‌وپنجاه هزار تومانی در تهران حراج شد.» این درحالی است که مادر نیاز علی زمانی که دندان‌داشته و پسته‌های بسته را خندان می‌کرده، فقط روزی بیست‌وپنچ‌ریال می‌گرفته.

باز هم لگدی به سرمایه‌دار و جامعه سرمایه‌داری!

اما ایدئولوژی که نمی‌تواند صرفاً طبقات خوب و بد را معرفی کند، پس جنگ چه شد؟ سستی‌کجارت؟ آیا تبیالی وضعیت خود را می‌پذیرد؟ نه. هر چند در خواب اما، جنگ طبقاتی اتفاق می‌افتد. نیاز علی و پدرش به‌شکل گنجشک و مش‌باقر به صورت ازدها با هم به سستی بر می‌خیزند. در این جنگ آن که در دستیابی به اهدافش شکست می‌خورد مش‌باقر است و آنکه می‌تواند از شر ازدها‌هایی بابد، ملوچ است که به آسمان می‌رود! جامعه طبقاتی به جنگ طبقات و در نهایت به پیروزی طبقه محروم‌منجر می‌شود. محروم‌ها، پیروز‌نار‌بخند؛ این شعار یک ایدئولوژی است.

گر چه در پایان این داستان، «تبیالی ندارد»، با فرط بیماری می‌میرد، اما هنوز «ندارد»‌هایی که در کلاس فرزانده هستند، هنوز مش‌باقی هست، هنوز طبقات متضاد وجود دارد و جنگ طبقات هم ادامه خواهد داشت.

علی اشرف درویشیان، مرد اخلاق و انسانیت‌رفته، یادگار‌هایش یعنی «تبیالی علی‌ندارد»‌ها و «مش‌باقر»‌ها نگارگری گذشته‌را ندارند. در زمانی بسر می‌بریم که بسیاری به جنگ طبقات پشت کرده‌اند و انسان‌ها را فراتر از طبقات و با ارزش‌های انسانی و اخلاقی می‌سنجند. بر این اساس پولداران هم داریم، همان‌طور که محروم‌ها پلید هم نمی‌نرسند. این را من نمی‌گویم، واقعیت جامعه نشان می‌دهد. «تبیالی ندارد» قهرمان عصر ایدئولوژی‌هاست، نه قهرمان جامعه رها شده از ایدئولوژی و جمله پایانی آن که علی اشرف درویشیان، خود فراتر از نگاه طبقاتی زندگی کرد. او دل سوزاند، شریف بود و صداقت داشت؛ آن‌چنان که باید همیشه در برابر انسانیتش سر تعظیم فرود آورد.



سال‌های ابری

سال‌های ابری در سال ۱۳۷۰ خورشیدی از سوی نشر اسپرک در چهار مجلد منتشر شد. قهرمان اصلی داستان شریف‌داور شسه، پسر بچه‌ای سه، چهار ساله است که در خانواده فقیر، مستی و خرافاتی زندگی می‌کند و زمان تا حدود ۴۰ سالگی او روایت می‌کند. شریف به تدریج با شاهده ظلم و سستی که بر اطرافیان و جامعه‌اش وارد می‌شود، به فردی انقلابی تبدیل می‌شود و با حکومت محمدرضا پهلوی به مبارزه بر می‌خیزد. او چندین بار به زندان می‌افتد و پایان داستان در آبان ۱۳۵۷ و با آزادی زندانیان سیاسی و شریف رقم می‌خورد. سال‌های ابری، انوبیو گرافی علی اشرف درویشیان به شمار می‌آید.



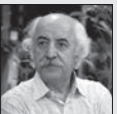
آبشوران

آبشوران مجموعه‌ای از ۱۲ داستان کوتاه است که برای اولین بار در سال ۱۳۵۳ منتشر شد و مثل دیگر آثار درویشیان رویکردی واقعگرایانه دارد. او در این کتاب نیز به زندگی آدم‌های فرودست و حاشیه اجتماع پرداخته است. آبشوران در سال‌های قبل از انقلاب نام مستعار لطیف تلخستانی منتشر شد. نامش موتی «وانامه» در سال ۱۳۹۲ نسخه صوتی این کتاب را براساس نسخه نشر چشمه منتشر کرد.



فرهنگ افسانه‌های مردم ایران درویشیان در سال ۱۳۷۰ به‌فکر جمع‌آوری و تدوین کتاب فرهنگ افسانه‌های مردم ایران افتاد و از همان موقع شروع به کار کرد و در سال ۱۳۷۴ برای چاپ آن با ناشر قرارداد بست. بعد از انتشار جلد اول در سال ۱۳۷۷ ناشر اعلام کرد که دیگر توان مالی برای پرداخت هزینه‌های انتشار این کتاب ندارد و کار انتشار مجموعه در سال ۱۳۷۸ به‌نثر کتاب فرهنگ سپرده شد. در دوران گردآوری این کتاب نامه‌های زیادی از مردم نقاط مختلف ایران به دست او رسید که افسانه‌هایی برای او ارسال می‌کردند. کتاب ۱۹ جلد دارد و با کوشش مشترک علی اشرف درویشیان و رضا خندان‌مهلبادی گردآوری شده است.

آزاده و کاوشگر



حافظ موسوی

شاعر

خبر در گذشت علی‌اشرف درویشیان ضایعه‌ای بزرگ برای ادبیات فارسی و به‌ویژه ادبیات متعهد چند دهه اخیر ماست. علی‌اشرف درویشیان از میان مردم برخاست، از میان اقشار زحمتکش جامعه سر برون آورد و در سال‌های پیش از انقلاب، در ادامه راه صمد بهرنگی، نوعی از آثار ادبی و داستانی را آفرید که طرفداران بسیاری یافت؛ به‌ویژه برای نسل جوان آن دوره، که من جزء همان نسل به حساب می‌آیم، بسیار برانگیزاننده و الهام‌بخش بود و ما را متوجه آرمان‌های عمیق انسانی کرد. علی‌اشرف از آن گروه نویسندگانی است که ادبیات‌برایش به مثابه شوخی و سرگرمی نبود. او ادبیات به‌عنوان عنصر آگاهی‌بخش اجتماعی استفاده می‌کرد. او با توجه به تجربه‌هایی که در طول چنددهه زندگی بر تلاطم از سر گذرانده بود، مخاطبان وسیعی را به‌سوی خود جلب کرد و غالباً آثارش مورد توجه کسانی بود که به ادبیات اجتماعی علاقه‌مند بودند.

من در مورد ویژگی‌های داستانی علی‌اشرف درویشیان نمی‌توانم چندان صحبت کنم الا اینکه اگر روزگار به‌گونه دیگری رقم می‌خورد و جامعه مایه‌سبب درگیر آن همه مصائب و مشکلات نمی‌شد، علی‌اشرف می‌توانست آثاری به‌مراتب عمیق‌تر از اینها بیافریند. نگاه طنزآمیز درویشیان در برخی از داستان‌های کوتاهش خبر از نگاه و اندیشه‌انسانی آزاده و کاوشگر داشت که می‌توانست اعمای جامعه ما را بکاو و دل‌زد مناسبات روزمره زندگی، رفتارهای اجتماعی و منش‌های فردی، جنبه‌های هم‌مضحک و هم‌تراک زندگی ما را کشف و بر ملا کند. او به لحاظ شخصی آدمی بسیار صمیمی، ساده، بی‌الایش و دوست‌داشتنی بود. علی‌اشرف درویشیان در دوده‌های اخیر از اعضای مؤثر کانون نویسندگان ایران بود که در همه حال، حتی در این سال‌ها که از بیماری رنج می‌برد، همواره کنار کانون بود و با روحیه سازش‌ناپذیر خودش الگو و راهنمای دیگران می‌شد.

بسیار متأسفم که در این سال‌های اخیر ی که گذشت علی‌اشرف درویشیان

عزیز از بیماری درد کشید، رنجی که غیرقابل تحمل بود. جا دارد همین

جا سیاسی و قدر دانی خودم را از همسر گرمی‌اش اعلام کنم که در

این دوره به خوبی از او مراقبت کرد و همواره تلاش می‌کرد تا بهرغم

وضعیّت جسمی نامساعد علی‌اشرف درویشیان، شأن ایشان را به

عنوان یک نویسنده، یک کشنگر اجتماعی و یک انسان آرا‌منخواه

همواره حفظ کند.

من در گذشت این دوست عزیز و نویسنده بزرگ و گرانقدر را در

وهله اول به خانواده محترم، سپس به همکاران او، به کانون

نویسندگان ایران و جامعه‌ادبی کشور تسلیت می‌گویم.

کتاب شناخت

نام کتاب	ناشر	سال انتشار
سال‌های ابری	اسپرک/چشمه	۱۳۷۰
سلول ۱۸	نگاه	۱۳۵۸
از این ولایت	صدای معاصر/چشمه	۱۳۵۲
آبشوران	شبگیر اجلوه‌پدان/یارمحمد/کاروان/چشمه	۱۳۵۴
درشتی	چشمه	۱۳۷۳
همراه آهنگ‌های بابام	شباهنگ، خنیا، چشمه	۱۳۵۳
فصل نان	شباهنگ، کاروان، چشمه	۱۳۵۷
داستان‌های تازه داغ	چشمه	۱۳۸۳
داستان‌های کوتاه از نویسندگان معاصر کرد	چشمه	۱۳۸۴
رنگینه	نگاه	۱۳۵۳
داستان‌های محبوب من	چشمه	۱۳۸۰
فرهنگ افسانه‌های ایرانی	آزنان	۱۳۷۷
فرهنگ افسانه‌های مردم ایران	کتاب و فرهنگ	۱۳۷۸
یادمان صمد بهرنگی	کتاب و فرهنگ	۱۳۷۹

یاد

کرمانشاهی ترین نویسنده ایران

بوده به تدریس. پدرم به درویشیان معلم افتخار می‌کرد. اسمش را که می‌شنیدید سرش را بالا می‌گرفت و خاطرات محو آن وقت‌ها را مرور می‌کرد. سال‌ها بعد درویشیان را در خانه بهمین فرمان‌آزادیدم. جایزه گلشنری بود و همه جمع بودند. دور و بر درویشیان شلوغ بود و منتظر مادم کمی تنها ششود. بعد کنارش نشستم به احوالپرسی. گفتم کرمانشاهی‌ام که خوشحال شد. گفتم پدرم شاگردش بوده توی شادآباد. خندید. پیرمرد روی و پلچرش نشسته بود و می‌خندید. گفتم اسم پدرت چی بود؟ گفتم علی‌اصغر. کمی فکر کرد. یعنی چشم‌هاش از روی صورت پر پر زد و معلق ماند توی هوا به فکر کردن. بعد سرش را تکانی داد و گفت یادم هست. یادم هست.

یادش بود واقعا؟ پدرم را که فقط ششش سال از خودش کوچک‌تر

است یادش بود؟

زببایی داستان همین‌جاست. همین پایان بازی که برای من باقی ماند. به درویشیان گفتم شما کرمانشاهی ترین نویسنده ایرانید. همیشه هستید. همیشه خواهید ماند.



پیمان اسماعیلی

نویسنده

علی اشرف درویشیان متولد کرمانشاه محله آبشوران را در کرمانشاه ندیده بودم. اسمش را ولی بارها شنیده بودم. آن وقتی که محصل بودم و درویشیان برابم کسی بود شبیه یکی از هنرپیشه‌های سینما. آدمی معروف که نمی‌شد دیدش ولی «همه» می‌شناختندش. این «همه» برای من پدرم بود که کتابخانه‌اش تا سال‌ها تنها کتابخانه‌ای بود که می‌شد تویش کتاب بدردیخوری پیدا کرد برای خواندن. یکبار همان وقت‌ها اسم درویشیان از آسمان افتاد پایین بین صحبت‌های من محصل و پدر نظامی‌ام. همان وقت فهمیدم درویشیان مدتی معلم بود. پدرم بود. توی شادآباد، وقتی معلم جوانی بوده و تازه شروع کرده

دیدگاه

کرمانشاهان سخن گفته و به معرفی کرده‌اند کرمانشاهی‌ها پرداخته است. فرهنگ‌القبایی تنظیم شده و در مقابل واژه‌ها، تلفظ کلمات به لاتین و فسیل و معنی یا معانی آن آورده شده است. فهرست برخی اسامی کرمانشاهی، نفرین‌ها، قربان صدقه‌ها، تشویق‌ها و دعاها، التماس‌ها و خواهش‌ها نیز درج است. این کتاب نیز فرهنگ گرانگ گویشی بخش مهمی از کشور را ثبت کرده و مبنی‌ای برای پژوهش‌های آیندگان قرار داده است. افسانه‌ها، نمایشنامه‌ها و بازی‌های کردی یا افسانه‌ها و مثل‌های کردی(چشمه، چاپ پنجم: ۱۳۸۶) نام‌آثر دیگر درویشیان است که اولین چاپ آن در سال ۱۳۶۶ و در انتشارات روز منتشر شد. درویشیان در این اثر بخش دیگری از ادبیات مردم کرمانشاه را گردآورده است. این کتاب مفصل گنجینه‌ای از فرهنگ مردم کرمانشاه است که تاگی دارد و قبلا کاری انجام نشده بود و به خصوص بازی‌های کرمانشاهی برای اولین بار معرفی می‌شود. کتاب صورت‌است و در جلد آن در یک جلد منتشر شده است. خصوصیت کتاب میدانی بودن آن است که نویسنده خود‌اهتمام ورزیده و مناطق مخلف را گردیده است. پژوهشی منتشر نشده نیز از این نویسندهٔ تابان با نام «عقاید و رسوم مردم کرمانشاه» در دست است که منتشر نشده و امید است خانواده دانش دوست وی به زودی به طبع بیاریند.

در کنار این پژوهش‌های ارزنده وی داستان نویس هم بود و هم رمان نوشت و هم داستان کوتاه. سال‌های ابری، آبشوران، بیستون، فصل نان، همراه آهنگ‌های بابام، ابر سیاه هزار چشم، روزنامه دیواری مدرسه ما، رنگینه، کی برمی‌گرددی داداش جان، آتش در کتابخانه بچه‌ها، چون و چرا، سلول ۱۸ و… گوشه‌ای از آثار کارنامه او است. فرهنگ عامه را به محتوا و چه در زبان آثار او بازناب دارد. درویشیان را باید نویسنده‌ای اقلیمی به شمار آورد که بازتابندهٔ فرهنگ، عقاید، آداب و رسوم کرمانشاه است. قصه‌های او صحنهٔ زندهٔ اجتماع است که محقق فرهنگ عامه می‌تواند مواد فرهنگ مردم را از آن استخراج کند.

زینادی از قصه‌های ایرانی و ذکر یک قصه با نام‌های متعدد در مجلدات مختلف و عدم طبقه‌بندی و تیب‌شناسی افسانه‌ها بر اساس طبقه‌بندی جهانی آرنه و تامپسون، نیاز به بازنگری دارد اما کوششی در خور و پاسخ به نیازی جدی بوده؛ چنانکه هم اکنون مبنای تحقیق بسیاری از دانشجویان قرار گرفته است. قصه‌پژوهی باید در دو سطح انجام بگیرد: سطح اول ثبت، ضبط، گردآوری و انتشار داستان‌های شفاهی از گوشه و کنار ایران و سطح دوم فعالیت‌های نظری و طبقه‌بندی آن‌هاست. در سطح اول خوشبختانه این مجموعه و بسیار تک‌نگاری‌های ارزشمندی از یک سده پیش آغاز شده ثبت و ضبط هزاران روایت متفاوت از گوشه و کنار ایران انجام گرفته است. جر بخشی از این روایتها که منتشر شده، بخشی دیگر در باگانی‌های خصوصی و دولتی در انتظار چاپ قرار دارند. اما در سطح دوم متأسفانه کار چندانی صورت گرفته است و هنوز در آغاز راهیم.

این افسانه‌ها بخش می‌دهد داستان پردازی و داستان‌گری، به طور کلی و افسانه و قصه‌های شفاهی به‌طور خاص، در ایران سابقه‌ای بسیار طولانی دارد. در حوزهٔ افسانه‌پژوهی جهان، ایران از دو جهت اهمیت دارد، نخست اینکه سابقهٔ چند هزارسالهٔ فرهنگ و نیز تنوع فرهنگی و قومی که از ادبیات یکی از ویژگی‌های اجتماعی آن بوده است، این سرزمین را به گنجینهٔ داستان‌های شفاهی (اعم از افسانه، قصه، لطیفه و…) تبدیل کرده است، این سرزمین همچنین مرکز ابداع بسیاری از افسانه‌ها و قصه‌هایی است که امروزه در کشورهای دیگر نیز روایت می‌شوند؛ به عبارت دیگر تعدادی از افسانه‌ها و قصه‌هایی که امروزه در طبقه‌بندی‌های جهانی قرار گرفته‌اند منشأ ایرانی دارند.

اما دومین اثر عامه‌نگاری درویشیان فرهنگ‌گردی کرمانشاهی (سپند، ۱۳۷۵) یا فرهنگ‌واژه‌های کوچه پس کوچه‌های کرمانشاه است. این کتاب نخستین فرهنگ‌گویشی کرمانشاهی است، مؤلف در پیش‌گفتار، در بارهٔ ویژگی‌های طبیعی، تاریخی

منابع

عامه‌نگاری از محلهٔ آبشوران



حسن ذوالفقاری

پژوهشگر فرهنگ عامه

علی‌اشرف درویشیان (۱۳۲۰–۱۳۹۶) نویسنده و پژوهشگر فرهنگ عامه و کردپژوه نستوه هم در گذشت. مرد سال‌های ابری که در عرصهٔ سیاست و فرهنگ، مردم‌نگاری و افسانه‌کاوی، رمان و داستان کوتاه، نقد و ادبیات کلاسیک، ادبیات کودک و خاطره‌نویسی قلم‌زد ده‌ها اثر، هریک خواندنی‌تر از دیگری پدید آورد. در عرصهٔ فعالیت‌های اجتماعی و سیاسی و آزادی‌خواهی تمام عمر را کوشید و سالیانی دراز را در زندان پهلوی گذراند. اما بخش مهمی از زندگی و کار خویش را وقف فرهنگ مردم کرد. او را باید از نسل نویسندگانی به شمار آورد که هم در بعد داستان‌نویسی دستنی‌داشتند و هم در پژوهش و عامه‌نگاری؛ از نسل دهخدا، هدایت، جمال‌زاده و شاملو.

بیش از همه و پیش از همه گرایش عمیق به ادب عامه و افسانه‌ها داشت. شاید دلیل آن رابطهٔ نزدیکش با مادر بزرگش باشد که استادان نقل‌قصه‌های عامیانه بود و درویشیان بسیاری از افسانه‌های او را در کتاب افسانه‌ها و مثل‌های کردی آورده است. از همین طریق با بسیاری از افسانه‌های کهن و مثل‌های قدیم و محلی آشنا شد.

علاقهٔ شدیدش به صمد بهرنگی نیز در گرایش او به قصه‌یی تاثیر نبود که او را به این وادی کشاند و حتی یادمان صمد را نوشت؛ چه آنکه هر دو معلم روستا بودند و روستا زادگاه قاصه است. درویشیان در سال ۱۳۳۷ پس از گذراندن دوره دانشسرای مقدماتی کرمانشاه، ۸ سال در روستاهای کرمانشاه، گیلانغرب آموزش‌گار بود. در سال ۱۳۴۵ با در رشتهٔ زبان و ادبیات فارسی دانشگاه تهران تحصیل کرد، سپس در کارشناسی ارشد روان‌شناسی تربیتی و همزمان در دانشسرای عالی تهران در